

وظیفه مبرم کنونی،

دفاع از اصول مترقی و روح مردمی قانون اساسی است!

اصلی که مالکیت خای بزرگ را از آن دولت می - داند، برای سرمایه داری بزرگ و بزرگ زمین داری اجازه " قانونی " رشد و فعالیت " مشروع " بگیرند . نکته قابل توجه دیگر آنست که حتی این لایحه ضد مردمی و مسخ کننده قانون اساسی هنوز مورد تأیید و رضایت غارتگران و نمایندگان نشان نیست، که با دادن رای منفی به لایحه و رد آن توسط این نیروها تظاهر کرد . آنها همانطور که حزب ما یارها و یارها هشدار داد، تمام ایران را حتی بیشتر از آنچه در زمان رژیم شاه ملعون در اختیار داشتند، میطلبند . از جمله مخالفین این طرح آقای واعظی یکی از نمایندگان غارتگران در مجلس شورای اسلامی است که در جستجوی راهی برای تطهیر " اموال حرام " هم هست . سخنان وی در مجلس در این مورد گویاست :

" عرض من اینست که اگر طرف خود دش برود پیش حاکم شرع و طبق احکام شرع (!) با دادن اموال نامشروعش خودش را تطهیر کند، این صورت بسیار عالیست و در گذشته نیز مرسوم بوده است . خوب . . . چه بسا میان امثال حرامشان (تأکید از ماست !) مال حلال هم باشد . . . " (اطلاعات - ۵ تیر ۶۲) .

یعنی برود " رشومای " بعنوان " وجوه شرعی " بپردازد و هم " مالش " را حلال کند و هم نقش ولینعمتی را ایفا کند . از این طریق دست حاکم شرع هم باز خواهد شد، که بگوید " بازار همیشه پشتوانه " بوده است! آنها با استفاده از " موازین شرعی " اسلام و عاظ - السلاطین به تحکیم پایه های زشت ترین شیوه غارت بی بند و بار سرمایه داری و فساد آلی همت گماشته اند و در اینراه تسلیم طلبان ، چه بخواهند و چه نخواهند به جاده صاف کن این اهداف پلید ضد مردمی تبدیل می شوند .

بدون تصویب قوانین اجرایی اصول ۴۳ و ۴۴، و اصلاحات ارضی و تجارت خارجی دولتی و . . . تن دادن به تصویب چنین لوایحی ، حتی با مخالفت های خجولانه ، آنطور که در مجلس توسط بخشی از مخالفان این لایحه نیز انجام شد، بار مسئولیت تاریخی از دوش تسلیم طلبان برداشته نمی شود . تاریخ و خلق ایثارگرا از آنها که بنه انقلاب و اهداف مردمی و ضد امپریالیست آن پشت کردند، بازخواست خواهد کرد . شبث به " قانونیت " راستگرایان و خیمه شب بازی درون مجلس بمنظور منحرف کردن خلسق از هدف اصلی، که تثبیت مواضع راستگرایان است و نه پیاده کردن اصول قانون اساسی، توطئه تازه راستگرایان است که باید افشا شود .

اگر نیروهای ارتجاعی راستگرا بتوانند از اینس طریق چنین لوایح ضد مردمی را تثبیت کنند، آن وقت خلق باید تاوان های زیاد تری را بپردازد

بزرگ مالکی است و " مالکیت " آنها را بطور " قانونی " تثبیت می کند، هدفی را جز مسخ قانون اساسی و دفن روح مردمی آن دنبال نمی - کند . از جمله لوایحی که این روزها در مجلس شورای اسلامی مطرح است، لایحه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی است .

اصل ۴۹ قانون اساسی، دولت را به بازپس - گرفتن مالکیت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، دزدی های دولتی که بوسیله گردانندگان رژیم گذشته و میوه چینان انقلاب تصاحب شده است، موظف می کند . اجرای این اصل تنها در پناه اجرای آن اصول مردمی و مترقی از قانون اساسی میتواند مثبت واقع بشود، که امکان پیدایش چنین مالکیت هایی را سلب می کند . هدف از تصویب لوایح اجرایی قوانینی نظیر اصل ۴۹ در این زمان، یعنی در شرایط تسلط راستگرایان و تدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، و آنهم از نوع سرگوش و دم بریده آن (سخنان آقای لطیف صفری - روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ تیر ۶۲) و پیوسته بدون اجرای اصول ۴۳ و ۴۴ و دیگر اصول مردمی و مترقی قانون اساسی همانند بخش سوم قانون اساسی مربوط به " حقوق ملت "، تثبیت " مالکیت مشروع " و از این طریق تثبیت " قانونی " مالکیت بدون سرز است .

این موضوع از سوی موافقین لایحه نیز تأکید شده است . بطور مثال آقای رحیمی نماینده مجلس می گوید:

" اجرای این اصل هم شعار را از بعضی از آقایان در مجامع و محافل میگیرد و هم خاصیت دیگرش اینست که مالکیت افراد تثبیت میشود " (تأکید از ماست - روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ تیر ۶۲) .

شبهه همین نقطه نظر را آقای عبدخدا یغدی دیگر نماینده مجلس و مدافع این لایحه ارائه می کند . وی می گوید :

" . . . ولی بهر حال این اصل بایسته پیاده شود که دارای دو خاصیت است، یکی اینکه هر کس از راه نامشروع کار می کند تنبیه شود و دیگر اینکه دارندگان اموال مشروع تأمین داشته باشند " (همان منبع) .

بی جهت نیست که مدافعان و نمایندگان کلان - سرمایه داری و بزرگ مالکان تنها مرز " مشروع " را برای سرمایه و ملک، برداخت خمس و ذکات قلمداد می کنند . همان خمس و ذکاتی که از زمان رئیس مجلس، آن زمانی که از عدالت اجتماعی در نمازهای جمعه سخن می گفت، بنه ندرت از سوی سرمایه داران پرداخت میشد . راستگرایان و نمایندگان شان می کوشند با تصویب لایحه قانون اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی بنا جایگزینی " خمس و ذکات " بجای اصل ۴۴

تلاش راستگرایان برای تثبیت کامل مواضع خود در حاکمیت ابعاد تازه ای یافته است . راستگرایان که در مراحل گوناگون، چه هنگام بحث در جریان تدوین قانون اساسی در مجلس خبرگان و چه مواقعی که نوید اجرای اصول مردمی آن میرفت، مخالفت خود را با روح مردمی و اصول مترقی آن آشکار و نهان، نشان داده اند، اکنون پس از تحکیم مواضع خود در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و بمنظور تثبیت " قانونی " مواضع ارتجاعی و ضد انقلابی خود، با تاکتیک مثله کردن نهائی قانون اساسی به میدان آمده اند . راستگرایان و مدافعان آنها لوایح اجرایی آن اصولی از قانون اساسی را اکنون برای تصویب به مجلس می آورند، که تنها در کنار اصول مردمی و مترقی قانون اساسی میتوانند نقش محیس و مثبتی را ایفا کنند .

اصول مترقی قانون اساسی، که روح مردمی آن را تشکیل میدهند، یعنی آن اصولی، که تغییرات بنیادی و بنفخ زحمتکشان را در زندگی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور ایجاد می کنند، پایه و اساس تحولات لازم در جامعه عقب نگه داشته و امپریالیسم و شاه زنده میهن ما نیز هستند . بدون تثبیت و تدوین قوانین اجرایی این اصول و حفظ روح مردمی قانون اساسی، یعنی تدوین قوانین اجرایی اصول مربوط به تحولات بنیادین جامعه، تصویب قوانین اجرایی اصول فرعی و غیر عمده دیگر قانون اساسی، قدم گذاشتن در راه مسخ قانون اساسی است .

اصول مردمی قانون اساسی، که می توانند تأمین کننده استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در این دوران رشد جامعه ما باشند، بطور عمده در اصول ۴۳ و ۴۴ و اصول بخش سوم مربوط به حقوق ملت متمرکز شده اند .

در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، و لا شرایط اولیه تأمین استقلال اقتصادی جامعه و مبارزه با فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای اولیه زحمتکشان تضمین شده، تا نیا وظایف دولت در تأمین شرایط لازم برای ایجاد چنین تحولاتی بطور روشن تأکید شده، و ثالثاً نقشه نظام اقتصادی که بر پایه آن تغییرات یاد شده امکان پذیر می باشند، ارائه شده است .

سرتاسر فصل سوم قانون اساسی مملو از صراحتی است که آزادی های دموکراتیک را برای همه اقشار جامعه، اقوام و ملیت ها و صاحبان ادیان مختلف تضمین می کند . آزادی احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی، و برخورداری از تأمین اجتماعی برای همه شهروندان جمهوری اسلامی ایران - بدون هیچگونه تبعیضی تصریح شده است .

همانطور که در بالا ذکر شد، کوشش راستگرایان برای تثبیت اصولی از قانون اساسی، که توجیه کننده سودبری و سودورزی کلان سرمایه داری و

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

بقیه از صفحه ۳
دانشجویان انقلابی مصری:

دانشجویان انقلابی مصری در اروپا - بخش آلمان فدرال، در رابطه با دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران، نامه‌ای خطاب به مسئولین جمهوری اسلامی تقدیر نمودند که در آن از جمله شیوه‌های شکنجه‌های اعمال شده در مورد این مبارزین در بندرا محکوم ساخته، "اعترافات" را مردود دانسته و آنرا با متد های بکار گرفته شده از طرف فاشیستها، بمنظور "بی اعتبار ساختن" قهرمانان نهضت مقاومت ضد فاشیستی و "در هم شکنستن" جهان بینی آنان، مقایسه نموده است.

نامه سپس در جایی، اشاره به این مطلب دارد که رژیمهای آزادی کش و دیکتاتور، سلاحی جز دروغ و ترس، برای پوشاندن حقیقت وقایع از انتظار مردم ندارند، ولی این خربه‌های رنگزده قادر نیست، حقایق را پنهان نگاهدارد.

دستگیری و شکنجه وحشیانه مبارزین توده‌ای در زندانها، در نامه قویا محکوم شده و تأکید شده است که این اعمال، جز ننگ ابدی برای مجریان آن، بیار خواهد آورد.

و در پایان، قطع فوری شکنجه و آزادی کلیه زندانیان توده‌ای خواستار گردیده است.

اتریش

● روزنامه فولکس شتیام، ارگان حزب کمونیست اتریش، در تاریخ بیست و چهارم ژوئن (سوم تیرماه)، طی مقاله مفصلی که یک صفحه روزنامه را در بر می‌گرفت، ضمن بررسی فیلم "اقرار" تلویزیونی و آثار شکنجه‌ای که در رفقای رهبری حزب توده ایران دیده می‌شود، حمله به حزب توده ایران را در رابطه

با تحولات سیاست ایران و جهان، تخطیط کرده است.

● روز چهارشنبه پانزدهم ژوئن (بیست و پنجم خرداد ماه) طی مراسمی که بد همت هواداران حزب توده ایران در شهر زالسبورگ برگزار گردید، پس از نمایش فیلم و ارائه تحلیلی از وقایع اخیر ایران، یکی از رفقای مسئول حزب کمونیست اتریش، از شرکت کنندگان درخواست کرد، بعنوان مختلف، همبستگی خود را با رفقای حزب توده ایران که در زندانها، جمهوری اسلامی، در چنگ دشمنان و شکنجه گران گرفتار آمد، ابراز نمایند.

در خاتمه مراسم، قطعنامه‌ای اعتراضی که در آن آزادی فوری زندانیان توده‌ای خواستار گردیده بود، تهیه و با مضای شرکت کنندگان در این مراسم رسید.

اتحادیه‌های کارگری در اسپانیا ضمن محکوم کردن دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران خواستار آزادی فوری آنان شدند

"کنفدراسیون سندیکائی کمیسیون کار" اسپانیا، ضمن مخابره تلگرامی برای نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، شکنجه‌های وحشیانه رفیق حسن حسین پور تبریزی را که منجر به مرگ وی گردیده است، شدیداً محکوم نموده و ضمن ابراز نگرانی در مورد سرنوشت دیگر رهبران سندیکائی ایران، آزادی بلاد رنگ آنان و برقراری حقوق سندیکائی را در ایران خواستار گردیده است.

کنفدراسیون مذکور، همچنین از هیأت نمایندگی

خود در کنفرانس کار ژنوا نیز خواسته است، در این مورد پیگیری لازم را بنماید.

● نمایندگان کنگره اسپانیا، ضمن ابراز نگرانی از سرنوشت رهبران و اعضای در بند حزب توده ایران، نظر دولت آن کشور را در این مورد وقایع اخیر ایران، و "انحلال" حزب، خواستار گردیده بودند.

دولت اسپانیا، در پاسخی که از طریق رئیس مجلس، کتبا به نمایندگان داده است، اظهار نموده که وزارت خارجه این کشور، از طریق سفیر اسپانیا در جمهوری اسلامی ایران، نگرانی دولت متبوع خود را در مورد مسائل جاری ایران و از جمله اعمال تضيیقات و فشار در مورد اعضای حزب توده ایران، بیان نموده است.

دولت این کشور، همچنین نگرانی خود را در موارد فوق، به سفیر جمهوری اسلامی ایران در مادرید، ابلاغ نموده است.

همچنین نمایندگان حزب کمونیست اسپانیا در پارلمان این کشور، از دولت خواسته‌اند که برای نجات جان زندانیان توده‌ای، رأساً اقدام کند.

راد بوی اسپانیا خبر فوق را پخش کرده است.

● گروهی از پزشکان مرفقی اسپانیایی، ضمن ابراز نگرانی شدید، از اعمال شکنجه‌های در منشانه، در مورد رهبران حزب توده ایران، آمادگی خود را جهت عزیمت به ایران و بازدید از این مبارزین در سیاهچالهای جمهوری اسلامی، اعلام نمودند.

● "انجمن وکلای جوان" اسپانیا، ضمن ارسال نامه‌های اعتراضی به مسئولین جمهوری اسلامی در مورد رفتار وحشیانه با زندانیان توده‌ای، آمادگی خویش را جهت اعزام حقوق دانان با ایران، بمنظور دیدار از این مبارزین و بررسی وضع آنان، اعلام نموده است.

● خبر قتل رفیق حسن حسین پور تبریزی در زیر شکنجه، در مطبوعات اسپانیا، با زتاب وسیعی داشته و در این رابطه، دستگیری و شکنجه سایر رفقای توده‌ای و زمینه‌های انجام چنین جنایاتی، مورد بررسی قرار گرفته است.

اعتراض سازمان سندیکائی هندوستان وابسته به فدراسیون سندیکائی جهانی علیه کشتار، زجر و شکنجه در ایران

خبر توقیف وسیع رهبران و اعضای حزب توده ایران برای سازمان ما موجب نگرانی است. رهبران این حزب در مبارزه علیه رژیم مفرور شاه، وسیعاً شرکت کرده و در این مبارزه شکنجه‌های طاقت فرسای ساواک را متحمل شده‌اند. آنها نقش مهمی در دفاع از موجودیت و حاکمیت مملکتشان، بعد از سقوط شاه ایفا کرده‌اند.

اتهامات خیانت و توطئه علیه آنان، بکلی نادرست بوده و این حملات موجب نگرانی کلیه نیروهای مبارز ضد امپریالیستی و در مقابل موجب خرسندی نیروهای ارتجاعی، مخد متگسزار

برای نجات میهن پرستان ایران از مرگ بکوشیم اطلاعیه فدراسیون سندیکاهائی جهانی - پراگ

در زندانهای شاه بسر میبرند، و بالاخره سرکوب حزب طبقه کارگر که تاریخ آن با مبارزات زحمتکشان ایران برای دمکراسی و بهبود زندگی، پیوند دارد، همه این اقدامات گویای راهی است که رژیم کمونیست در پیش گرفته است.

زحمتکشان ایران نیاز میرمی به همبستگی بین المللی دارند. فدراسیون سندیکائی جهانی به همه سازمانهای سیاسی و سندیکائی جهان که علیه این اقدامات دست باعتراف زده و خواستار پایان بخشیدن به قتل عام در ایران هستند، درود میفرستد، فدراسیون سندیکائی جهانی از همه زحمتکشان و سازمانهای سندیکائی میطلبد که هر چه بیشتر کارزار تبلیغاتی را گسترش دهند باین منظور که: این زنان و مردان زندانی از مرگ رهایی یابند و حقوق بشر و حقوق سندیکائی در ایران مراعات شود.

فدراسیون سندیکائی جهانی یکی از اولین سازمانهای بین المللی است که سقوط رژیم دیکتاتوری و طرفدار امپریالیسم شاه سابق را نهی بخش اعلام کرد باین امید که تغییرات اساسی در زندگی زحمتکشان و خلق ایران بوجود آید.

فدراسیون سندیکائی جهانی، خواستار اتخاذ تدابیر لازم برای استقرار حقوق بشر، حقوق مدنی و سندیکائی شد.

فدراسیون سندیکائی جهانی از اقدامات بسیار محدود رژیم کمونی ایران بمنظور تشکیل سندیکاها جانبداری کرده است.

متأسفانه، رژیم کمونی ایران دست با اقداماتی زده است که گواه بر ادامه راهی است که شاه سابق دنبال میکرد. پورش اخیر علیه نیروهای دموکرا - تیک و سندیکاها، قتل رهبران بنام سیاسی و سندیکائی، توقیف، محکومیت و همچنین اعدام احتمالی بیش از ۱۵۰۰ شخصیتی که دلیرانه علیه رژیم سابق شاه مبارزه کرده و سالهای متعددی

وفا و عهد نگو باشد از پیاموزی و گرنه هر که تو بینی ستمگری داند

برخی از مسئولین دارای منصب های بالا در جمهوری اسلامی ضمن هتاک بی بند و بار به حزب توده ایران، که دور از هرگونه موازین اخلاقی بین انسانهاست، از بیای ساندز " مثال می آورند، که بر سر ایمانش مانند آنها به اصطلاح خودشان بایی ساندز را با رفقای شکنجه دیده ما مقایسه می کنند و می خواهند این دروغ را به خورد مردم دهند، که گویا " اقا زین " ستانده شده، دلیل بر " بی ایمانی " تودهای درین است . اما همین مقایسه هم پرده از ایسین واقعیت در دناک بر میدارد، که منتقدین به "ناچرگها" برای رسیدن به اهداف شیطانی خود، حتی خود را به آن اصول و موازین، که "ناچرگها" به ظاهر در حفظ آن می کوشند، پایبند نمی دانند!

بایی ساندز، که با اعتصاب غذا ی ۶۴ روزه خود یکبار دیگر پرده از روی چهره درخسیم سرمایه داری آغشته به خون خلقهای جهان

برداشت، لااقل این امکان را داشت که در مقابل افکار عمومی انگلستان و جهان قرار داشته باشد و هرروزه توسط دوستان خود و خبرنگاران و حقوق دانان مورد بازدید قرار گیرد، اما در خیمان بی فرهنگ و فاقد معنویت و اخلاق ایرانی حتی از اعلام نام انسانهای شریفی که در بند آنها و در سیاهچالهای ساواکی جمهوری اسلامی ایران در زندند، خودداری می کنند، چه رسد به دیدار خانواده ها و دوستان، پزشکان و حقوقدانان از آنها . اینست آن چیز " نوئی " که در خیمان در خدمت جمهوری نوهای ما را از همتهای انگلیسی آنها متمایز می سازد:

— قانون شکنی خشن و بی محابا ،
— پایمال کردن ابتدائی ترین حقوق انسانها،
— بی حرمتی به معنویت و انسانیت!
ما می برسیم ،چرا وحشت دارید يك هیئت ناظر بیطرف بین المللی مرکب از پزشکان مخصوص

در امر شکنجه های جسمی و روانی و حقوقدانان از این قربانیان دیدن کنند ؟ چرا از تشکیل يك دادگاه علنی و یا حضور ناظران بین المللی مرکب از دوستان جهانی انقلاب ایران می هراسید؟ زیرا می ترسید، که " اقرار " کنندگان پرده از جنایات تن بردارند و رسوائی شما و " راه "تان را بر ملا سازند .

شما شعار دادید و مردم هم به شما دل بستند ولی وقت عمل منافع خاموشی ها و اربابان آنها را به " کوچ نشینان " و مردمی که " از گرسنگی در صحرا می چرند " ترجیح دادید . در جمهوری اسلامی می خواهند کارگران را به شیوه قرون وسطی به اجاره بگیرند و حتی اصلاحات فرمایشی ارضی شاه را هم کمونیستی و غیر شرعی می دانند . بی خانمانها را برای ارضاء دل مالکین حتی از " پشت بامها و بیخولهها " می رانند، غارتگران فراری و همپالکهای شاه را، که قرار بود " اگر همه دار و ندار خود را به مردم بدهند هنوز هم بد هکار باشند "، برای غارت مجدد بازمی گردانند و اموالشان را پس می دهند . ساواکیها را نه تنها آزاد می کنند، که به خدمت فرا می خوانند و در عوض قربانیان ساواک را دوباره به سیاهچالها می اندازند و از آنها انتقام نبردشان را با رژیم شاه می گیرند .

آری، چنین اندان قدم های شومی که بسرای برداشتن آنها، سرکوب حزب توده، ایران و شکنجه پیرمنشانه اعضا و هواداران آن ضرورت پیدا کرد و داغ تنگ ابدی را بر پیشانی مجریان این جنایت زد . ولی حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران در کنار زحمتکشان و انقلاب آنها با تمام وجود ایستاد، از منافع آنها و منافع ملی دفاع کرد . توطئه های ضد انقلابی دشمنان خلق را در هر لباسی افشا کرد .

امروز نیز این حزب توده، ایران است که با پیگیری خونین و تحت وحشیانه ترین بی گردهای دشمن از منافع زحمتکشان دفاع می کند و شعار آنها یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به معنای قانون کارمترقی و انقلابی برای کارگران، زمین برای دهقانان بی زمین و کم زمین، قطع فارت سرمایه داری غارتگر را سر می دهد .

مردم محروم و زحمتکش ما ایله نیستند . آنها سره را از ناسره تشخیص می دهند . حزب ما بر اساس يك ضرورت تاریخی بوجود آمده و بقایش نیز يك ضرورت تاریخی است و با خواست امیر یالیم و اراده این یا آن از بین نمی رود . بفرول روزبه ضمو کمیته مرکزی حزب توده، ایران و قهرمان ملی ایران :

" هرگز ابر نمی تواند موجودیت خورشید را نفی کند و پس از لحظهای پرتو مستقیم خورشید به همه گرمی خواهد بخشید " ●●

آیا هنوز به خودتان امیدوار هستید؟

بقیه از صفحه ۱۰
يك توطئه امپریالیستی برای سرنگونی رژیم انقلابی است .

از سه سال پیش حزب ما هشدار داد و هنوز هم می دهد، که شما مار در آستین می - پرورانید و آنهائی را که مشغول سرهم کردن توطئه های براندازی هستند، در مواضع حساس قرار میدید و ایضا می کنید .

اکنون که توطئه براندازی ناراضی تراشی چنین ابعادی بخود گرفته است، که آقای نخست وزیر نیز در نطق ۱۹ / ۴ / ۶۲ به آن اعتراف می کند، دیگر تردیدی نباید داشت، که نگرانی حزب ما بجا بوده است . آری آقای نخست وزیر! این توطئه گرانی، يك " توطئه سیاسی " بمنظور براندازی جمهوری اسلامی ایران است . آری آقای نخست وزیر! آنها که به گفته خود شما جنس " ۳ تومانی " را به " سی تا چهل تومان " در بازار سیاه می فروشند و حامیان وزارتخانه های آنها، مدت ها است که دستگاه منحوس توطئه براندازی خود را پشت بکار انداخته اند و برای رسیدن به هدف شوم خود بکمک شما تسلیم طلبان به سرکوب حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران، برداخته اند تا تنها مانع و سد واقعی در سر راه موفقیت توطئه خود را از مقابل پای خود بردارند .

زحمتکشان میهن ما سوال می کنند، که تا چه حد، آنهائی که با بی برنامگی و سردرگمی خود با ندانم کاری و انحصار طلبی خود، با عسدم تشخیص انقلابی از غیر انقلابی، با تعیین مرز دروغین مسلمان و غیر مسلمان برای انقلابی و غیر انقلابی، با عقب نشینی و مماشات خود در مقابل

دشمنان دانا و " دوستان نادان " انقلاب، با تأیید و شرکت خود در سرکوب بهترین فرزندان طبقه کارگر، رهبران و اعضای حزب توده، ایران، با زیر پا گذاشتن قانون و تعهدات خود، تحقق شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و با جستجوی " راه سوم " موهوم، آری زحمتکشان میهن ما سوال می کنند، که شما معاشناگسران دیروزی و تسلیم طلبان امروزی که امروز هم در نطق های خود به آرایش غارتگران بازاری می - پردازید و تسلیم طلبی تان در خدمت به منافع " بخش خصوصی " ربا قسم مورد تأیید قرار می دهید، تا چه حد خود در این " توطئه براندازی " شرکت داشته اید ؟

آقای نخست وزیر، برای " فکر " کردن دیگر وقت باقی نمانده است، خوشترقی در مقابل منافع غارتگران، آنطور که در نطق ۱۹ تیرماه، ارائه شد، کافی است!

اگر نمی خواهید تنگ به شکست کشانیدن انقلاب را برای خود ابدی سازید، اقدام کنید! و راه را برای نجات انقلاب باز سازید .

باید با آزادی فوری تودهای در بند، با ایجاد جو سیاسی آرام و دمکراتیک در کشور، با برقراری فوری قانون برای نجات انقلاب اقدام کرد . به این منظور باید خلق را بکمک گرفت، به خیابان فرا خواند، راستگرایان را از مواضع عقب کرده و راه تعمیق انقلاب را گشود! خلقت انقلابی حکم خود را درباره کسانی که هنوز این توطئه را نبینند و علیه آن مبارزه اصولی و جدی نکنند، صادر خواهد کرد .

مردم محروم و زحمتکش ما ایله نیستند . آنها سره را از ناسره تشخیص می دهند . حزب ما بر اساس يك ضرورت تاریخی بوجود آمده و بقایش نیز يك ضرورت تاریخی است و با خواست امیر یالیم و اراده این یا آن از بین نمی رود . بفرول روزبه ضمو کمیته مرکزی حزب توده، ایران و قهرمان ملی ایران :

" هرگز ابر نمی تواند موجودیت خورشید را نفی کند و پس از لحظهای پرتو مستقیم خورشید به همه گرمی خواهد بخشید " ●●

متن مصاحبه روزنامه مورنینگ استار بایکی از مسئولین حزب توده ایران

این مصاحبه با ارگان حزب کمونیست انگلستان در تاریخ ۳۰ خرداد ۶۲ انجام شد

س. چرا مقامات مسئول تهران ناگهان امثال دستگیری و سرکشی حزب توده ایران را آغاز کرده اند، و آیا این تضيیقات برای حزب کلا یک چیز تازه و ناگهانی بوده است؟

ج. آنچه که در ایران بوقوع پیوسته، حاصل روندی است که انقلاب طی کرده، و برای حزب ما بهیچ وجه غیر مترقبه نبوده است. بسیاری پاسخ به این سؤال و سؤال بعدی شما کافی است به سندی که سه متجاوز از سه سال پیش حزب ما از زبان دبیر اول آن در جلسه پرسش و پاسخ (دیماه ۱۳۵۸) ارائه داده و ما در اوائل ماه خرداد ۶۲ در هفته نامه "راه توده" آنرا تجدید چاپ کردیم، اشاره شود.

در این سند (که متجاوز از سه سال پیش نوشته شده است) حزب ما شرایطی را که فعلا در ایران حاکم است، بطور دقیق پیش بینی کرده است. علاوه بر این، در یکسال پیش در نامه "سرگشاده کمیته مرکزی" به مقامات حاکمیت، احتمال وقوع تمام این وقایعی که الان رخ داده پیش بینی شده است.

آنچه که در حال حاضر بوقوع می پیوندد، موید صحت تحلیل ها و پیش بینی های حزب ما است. حزب ما از ابتدا و بطور مستمر توضیح داد بود که برای حفظ و تعمیق دستاوردهای انقلاب باید یک جبهه متحد خلق تشکیل شود. در سهای جنبش جهانی کمونیستی نیز در تاسیس این اصل است. اگر جبهه متحد ضد فاشیستی در آلمان قبل از روی کار آمدن هیتلر بوجود آمده بود، همانطور که حزب کمونیست آلمان می خواست و می طلبید، به احتمال زیاد فاجعه فاشیسم هیتلری برای سایر خلقهای جهان بوجود نمی آمد. آنچه که الان در مین ما می گذرد بهیچ وجه از این قانون عمومی و کلی و این درس تاریخی مستثنی نیست.

روندی که انقلاب ایران را به وضع فعلی کشاند

اما روندی که انقلاب را به وضع فعلی آن کشانیده چیست؟

در دو سال پیش حاکمیت در دست آن نیروهای قرار گرفت، که خود را پیروان "خط امام" می دانستند. این نیروها، که در دوران سرنگونی رژیم گذشته با دید روشن و برنامه سرپوشی برای سرنگونی سلطنت رهبری انقلاب را بدست گرفتند، (از آن پس) و بویژه در این دو سال اخیر قادر نشدند دور نمائی روشن و برنامه های جامع برای تعمیق انقلاب ارائه بدهند.

این نیروها، که با وعده های بسیار زیاد و طلایی برای بهبود زندگی خلق و زحمتکشان، اعتقاد آنها را بدست آورده بودند، با اشتباهات کلانی که مرتکب شدند موجبات تحکیم قدرت نیروهای راستگرا، هواداران سرمایه داری و کلان زمینداری، را فراهم و به آنها امکان دادند مواضع بیشتر و بیشتری را در حاکمیت بدست بگیرند. روند این تحول باینصورت انجام شد، که سرمایه داری تجاری ایران و بویژه سرمایه داری بازاری، که در دوران رژیم شاه زیر فشار سرمایه داری کمپرادور از امکانات وسیع سرمایه داری کمپرادور محروم بود، اکنون با فقدان بخش سرمایه داری کمپرادور قادر شد با احتکار و گرانفروشی در مدت بسیار کوتاهی فرهنگ و چاق و پولدار و پولدارتر بشود، و از این طریق با غارت ثروت عمومی و درآمد زحمتکشان به انباشت سرمایه در دست خود بپردازد. این سرمایه داری تجاری همچنین قادر شد راسا با جهان سرمایه داری روایتی را برقرار کند و به این ترتیب این نیروها بر آن شدند، که اکنون که دارای قدرت مالی و اقتصادی هستند، اکنون که ارتباطات خود را با سرمایه داری جهانی برقرار کرده اند، در حاکمیت (سیاسی) نیز شرکت کنند.

وسایلی که این نیروهای راستگرا برای رسیدن به اهدافشان استفساده کردند از این قرارند: نیروهای مسلمان رادیکال را زیر فشار شان تا از ضد

کمونیستی قرار دادند. هر اقدام ترقی و به سود زحمتکشان از سوی آنها، بعنوان اقدامات کمونیستی و یا اقداماتی که منجر به حاکمیت کمونیسم خواهد گشت، ارزیابی شد. و به عنوان وسیله تبلیغ و فشار علیه جناح رادیکال حاکمیت مورد سوء استفاده قرار گرفت.

آنها با طرح شعارهای دروغینی مثل "نه شرقی، نه غربی" امکان تحریک و اقدام سیاسی نیروهای مسلمان مبارز را محدود کردند. عبارت دیگر شعار "نه شرقی، نه غربی" را بعنوان سیاست موازنه منفی به نیروهای مسلمان مبارز تحمیل کردند و از این طریق جای دوست و دشمن طبیعی انقلاب مین ما را مخدوش ساختند.

آنها با زیر فشار گذاشتن مسلمانان مبارز، و استفاده از ضعف ایمن نیروها، که در جستجوی باصطلاح "راه سومی" برای پیشبرد انقلاب بودند، امکان بهره مند شدن از تجربه انقلابات پیروز را از بین بردند. در ایجاد شرایط حاضر، توطئه های امپریالیستی هم نقش خود را ایفا کرد. از جمله ترورها و بمبگذاریها و بالاخره جنگ تحمیلی ضد امام علیه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی مین ما. همه این عوامل بر شمرده شده آن مجموعه ای از عوامل را تشکیل دادند، که مسلمانان رادیکال را به عقب نشینی واداشت و هرچه بیشتر عقب نشستند، این تصور باطلشان که میتوانند با وجود عقب نشینی اهداف خود را تحقق ببخشند، بیشتر غیر واقعی بودن خود را نشان میداد. مواضعی که مسلمانان مبارز از دست میدادند و ترک می کردند، در طی زمان کمیته را ایجاد کرد که شرایط تغییرات کیفی در حاکمیت را بوجود آورد. در پوشش مواضع عمدی که اکنون در اختیار راستگرایان قرار دارد، ضد انقلابیون نیز خود را مخفی کرده و از آن دفاع می کنند، و از طرف دیگر مواضع مسلمانان رادیکال آنقدر تضعیف شده است که اکنون دیگر باید از تسلیم آنها به راستگرایان و ترک مواضع اولیه و اهداف اولیه خودشان صحبت کرد. برای علت این ترک مواضع می توان طیفی از انگیزه ها را یافت، که از از دست دادن امید به تحقق خواستهای اعلام شده تا ترک کامل مواضع سیاسی-اقتصادی-اجتماعی را در بر میگیرد.

بطور قطع یورش وسیع و همه جانبه به حزب مانقطه عطف این تسلیم طلبی است و بیان کننده آغاز مرحله ای است که نیروهای راستگرا توانسته اند بر مسلمانان رادیکال، که روزی با ادعای جدی برای حفظ قانون و آزادی به صحنه آمده بودند، غالب بشوند. لیکن ما این روند را هنوز پایان یافته نمی بینیم و نمونه های دردناک ولی جالبی وجود دارد که نیروهای راستگرا می کوشند بدست خود این مسلمانان رادیکال دیر روز تمام وعده های آنها را باز پس بگیرند. ملاً آیت الله مهدوی کنی یکی از اعضای شورای نگهبان و بلندگوی راستگرایان، می کوشد که موضع شخص رهبر انقلاب را هم تضعیف کند، از جمله از این مسئله صحبت می کند، که من به ملاقات امام رفته بودم و به او گفتم که حضرت امام من یا شما باید با صراحت صحبت کنیم، بما می گویند که ما طرفدار سرمایه دار هستیم، در حالی که ما مرید شما هستیم و شما در رساله تان از این صحبت کرده اید که اگر معدنی در زمین کسی پیدا شد این معدن متعلق به آن فرد است و دولت نمی تواند تصاحب کند، شما یا این فتوی را از رساله تان برمی دارید و یا کار ما طبق موازین شرح است (روزنامه اطلاعات).

البته چیزی که در قانون اساسی راجع به معادن تصویب شده اینست که تمام معادن و منابع زیرزمینی متعلق به دولت و عموم مردم است و شر و ملی است (اصل ۴۵ قانون اساسی). باین ترتیب آقای مهدوی کنی کوشش می کنند که بدست او و به زبان او، تمام تعهداتی را که در قانون اساسی شصیت شده باز پس بگیرند.

با این مقدمات به سؤالی که در ابتدا مطرح شد، میتوان به این صورت پاسخ داد، که یورش به حزب ما از ابتدا پیروزی انقلاب و به بقیه در صفحه ۹

متن مصاحبه روزنامه مورنینگ استار...

بقیه از صفحه ۹

انقلابی خود ادامه بدهد.

س. اجازه دهید سؤال را در قالب دیگری مطرح کنم. اکثر فیلسر کمونیستهای چپ در بریتانیا میگویند که میتوانند با مشاهده سیاستهای حاکمیت ایران، سیاست مجاهدین خلق را درک کنند و ولی سیاست حزب را نمیفهمند. این گروه معتقد است که بنابر سیاستی که حاکمیت ایران داشته است باید در برابرش مقاومت نمیشد، ولی مقاومت یعنی چه؟ چرا که کاری که مجاهدین کردند جاده را برای حاکمیت راستگرایان صاف کرد؟

ج. رهبری سازمان مجاهدین هنگامیکه لازم بود، در کنار بقیه نیروهای ضد امپریالیست و تحول طلب و با کمک به نیروهای صادق مسلمان در حاکمیت که زیر فشار راستگرایان بودند، از تحکیم مواضع نیروهای راستگرا و ضد انقلابی جلوگیری کند صحنه را نبرد ضد امپریالیستی را ترک کرد و درست اقداماتی را سازمان مسلمان داد که بهمان نحو که شما گفتید بتفیع نیروهای راست تمام شد. بطور مثال من از بعضی که در دفتر حزب جمهوری اسلامی کار گذاشته شدند میخواهم صحبت کنم که در آن مسلمانانی نظیر محمد منتظری را، که با صراحت در مجلس از این صحبت کرده بود که بلی میشوید پس کمونیستهای برای پیشبرد اهداف انقلاب جبهه متحد تشکیل داد، از بین نبردند. محمد منتظری را بویژه و با اصرار در آنشب دعوت کردند که بدفتر حزب جمهوری اسلامی برود. بر خلاف آنها ما بوظیفه تاریخی که در مقابل نبرد که بر کس در حاکمیت داشتیم عمل کردیم و تردیدی نداریم که ما این کار بی غل و غش و صادقانه و روشن بینانه ما برای همیشه ثبت تاریخ شده است. این در تاریخ ثبت شد که ما صحنه دفاع از انقلاب را ترک نکردیم و این حاکمیت جمهوری اسلامی است، که به تازمه همه نیروهای آزاد میخواه جهان به مدافعین انقلاب پیوسته است.

س. شما وضع و روابط بین المللی دولت ایران را چگونه می بینید. شنیدیم که تا این قبیل کرده بیروزه پتروشیمی را ادامه بدهد، بشرطی که جمهوری اسلامی تمام هزینه اش را بپردازد. مسلمانان در مورد سوله نفت هم چنین قراردادها می خواهد بود؟ آیا این جزئی از گرایش به راست هست یا مرحله جدیدی از این گرایش به راست است و در این رابطه نقش جنگ ایران و عراق را چگونه می بینید؟

ج. دقیقاً درست است. ما علائم خیلی متعددی را در صحنه بین المللی در ارتباط ایران با کشورهای سرمایه داری و بالعکس می بینیم که بیان کننده گرایش به راست سیاست در جمهوری اسلامی ایران است. در این مورد می شود نقطه نظرات مساعد سران کشورهای امپریالیستی نسبت به سیاست حاکمیت فعلی ایران را که در گرد همایی و یلیامزورگ اعلام شد، ذکر کرد. از جمله می شود گفته ریگان را ذکر کرد که در روزهای اخیر موضع آمریکا را در مورد جنگ (ایران و عراق) بیطرفانه اعلام کرد. همینطور می شود توسعه خیلی شدید روابط اقتصادی و تجاری ایران با کشورهای سرمایه داری ذکر کرد، از جمله با ژاپن حتی فروش نفت ایران برای منابع استراتژیک آمریکا که در ماههای اخیر بسیار انجام شده و هر بار حداقل چهار دلار پائین تر از قیمت اوپک بود فاست. به این لیست میتوان پرداخت ۲۶ میلیون دلار خسارت سفارت آمریکا در ایران به دولت آمریکا، مذاکرات مخفی با دولت آمریکا، که در روزنامه ها نیز انتشار یافته، اضافه کرد. همه و همه علائم جدی در این زمینه اند که در سیاست جمهوری اسلامی در رابطه با کشورهای سرمایه داری تخفیرات جدی بوجود آمده. ما حتی خبرهایی در مورد خرید های نظامی شنیدیم که آمریکا مستقیم و غیر مستقیم به دولت ایسرا ن اسلحه می فرستد. نکته جالب دیگری که باید ذکر کرد موضع وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در مورد ورود ارتش ترکیه بد عراق و سرکسوب نیروهای کرد و کمونیست عراقی است که علیه رژیم دیکتاتوری ضد ام

می جنگند. این موضع، که بعداً توسط دیگر شخصیت های حاکمیت تکرار شد و در روز بعد از ورود ارتش کودتایی ترکیه به عراق اعلام شد، بجای محکوم کردن این اقدام تجاوزگرانه و سرکویگرانه که خاطرات قتل عام ارمنه ترکیه در ۱۹۱۵ را بیاد می آورد، فقط از این صحبت می کند که دولت صدام دولت ضعیفی است. این موضع توجه را از خط اصلی، که صلح منطقه و آزادی خلق های منطقه را تهدید می کند، دور می کند و تردیدی در این نیست که چنین اقدامی را ترکیه بدون تأیید ناتو و همانطور که بعداً هم اعلام شد بدون تأیید دولت صدام انجام ندادهاست. و باید این شک و نگرانی جدی را داشت که این اقدام با اطلاع حداقل بخشی از رهبری جمهوری اسلامی ایران بوده است. این سکوت تأیید آمیز دولت ایران در قبال تجاوز ترکیه بیان کننده تدارک یک همکاری در چارچوب پیمان سنتو گذشته هم میتواند تلقی شود، بویژه آنکه در این زمینه ها ارتباطات وسیعی هم با دولت پاکستان ایجاد شده است.

در مورد مسئله جنگ عراق و ایران، جمهوری اسلامی ایران در یک بن بست قرار گرفته است. این مفهوم که بطور عملی دیده میشود که صدور نظامی انقلاب به عراق با مواج بسیار جدی روبرو شده و همانطور که رئیس مجلس هم توضیح داد چاره را در آن دیدماند، که شعله آتش جنگ در سطح نازلی نگه داشته شود، و از سوی دیگر پایان جنگ بدون تحقق شعارهایی که در ابتدا مطرح میشد عملاً غیر ممکن گردیده است. بدین ترتیب خودشان (تسلیم طلبان) جمهوری اسلامی را به یک بن بست کشانده اند. آنزمانی که آنها می توانستند جنگ را بسا موفقیت، با قبول و در شرط اولیه، به پایان برسانند، از دستشان رفته است. حتی میتوان این احتمال را دید، که در آینده نه چندان دور زمانی خواهد رسید، که ادامه جنگ مورد تأیید نیروهای راستگرا که تا حال خواهان ادامه اش بوده اند، نباشد و آنهاستگام زمانی خواهد بود که "صلح تحمیلی" واقعی به مسلمانان سابقاً رادیکال واقعا تحمیل خواهد شد.

س. آیا تجربه سالهای اخیر بیانگران نیست، که شخصیت هایی نظیر آیت الله خمینی، که غالباً ایده های بظاهر مترقی دارند، از همان اول قادر به خلاص کردن خود از شر نیروهای راستگرای روحانیت نمی شوند؟ در بریتانیا به ما می گویند، که خمینی از اول ارتجاعی بوده است. حامیین این نظر معتقد اند، که رویداد های اخیر در تأیید نظر آنهاست.

ج. تا قبل از پیروزی انقلاب اکثر نیروهای بینابینی شانس رهبری هیچ انقلابی را نداشتند و چنین انقلاباتی (انقلاب های ضد امپریالیستی و رها ئی بخش) را هم رهبری نکردند. فقط در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی و پیروزی اتحاد شوروی بر فاشیسم هیتلری، سالهایی که تناسب قوا در صحنه جهانی بتفیع صلح و سوسیالیسم تغییر پیدا کرد، شرایط جدید بوجود آمد، که نیروهای بینابینی قادر شوند انقلاب ضد امپریالیستی را رهبری کنند. اگر این نیروها بتوانند به قانونمندی نبرد جهانی ضد سرمایه داری این دوران و همچنین قانونمندی رشد اجتماعی درون کشور خودشان پایبند بمانند، قانونمندی ای که پایبندی به آن برای حفظ انقلاب لازم است، فقط آنوقت بطور واقعی این شانس را هم بدست خواهند آورد، که انقلاب را به پیروزی قطعی برسانند.

به همین علت انقلابات آزاد بیخس که تحت رهبری نیروهای بینابینی به پیروزی سیاسی میرسند، تنها زمانی پیروزی آنها محتمم می شود، که در جبهه جهانی ضد امپریالیستی جای خود را در کنار کشورهای سوسیالیستی، به عنوان متحدان طبیعی نبرد ضد امپریالیستی، بپایند، و بسا برخورداری از کمک های آنها و همچنین برخورداری از همبستگی و کمک های همه جانبه دیگر متحدان طبیعی جهانی خود، یعنی با جنبش های مترقی کارگری جهانی و بالاخره با برخورداری از کمک های جنبش های آزاد بیخس ضد امپریالیستی در جهان از طرفی و از طرف دیگر با یافتن متحدین واقعی انقلاب در داخل کشور و بویژه با تجهیز توان انقلابی خلق و حفظ این توان و تقویت آن و یافتن راههایی که این توان انقلابی خلق را به خلاقیت هم بکشاند، بویژه با اجسرای فوری رادیکال رفرم های انقلابی، از جمله رفرم ارضی انقلابی، نیروی لایزال خلق را در

بقیه در صفحه ۱۴

در هفته‌ای که گذشت:

فریاد مستضعفان، غارتگری مستکبران

واقعیات و رویداد های ماسها و هفته‌های اخیر، گذشته، سیاه و حکمرانی هزار قامی - شاهنشاهی را در اذهان زنده میکند . تنها ذکر نمونه‌هایی، آنهم از روزنامه‌های مجاز کشور، خود نمایانگر این واقعیت و به اندازه کافی گویاست .

آب و نان هم از زمره کالاهای طبقاتی شدند! در هفته گذشته ما شاهد اعتراض و راه - پیمایی مردم افسریه به علت قطع آب این محله بودیم . یکی از اهالی این منطقه در این رابطه می‌گفت:

" ما پول دادیم ولی بجای آب تهران، فقط قیف آب تهران بما دادند "

یکی دیگر از اهالی می‌گفت :

" ما با زبان روزه آب خوردن نداریم "

زنی فریاد می‌زند:

" بنویسید بچه‌های شهرک مسعود به اغلب شبها تشنه سر بیالین می‌گذارند "

از گوشه دیگر فریادی بلند می‌شود :

" آقا شوهر من کارگر ساده‌ای است که بسه سختی خرج خانواده را تأمین میکند، اما با اینحال مجبور است هفته‌ای ۲۰۰ تومان پسول آب بدهد "

این درد ورنجی که مهر و نشان نظام غارتگر سرمایه‌داری را بر سینه‌های خود دارد، بر همه شئون زندگی اجتماعی - اقتصادی کشور ما حاکم است و تنها مختص افسریه نیست .

اگر امروز در افسریه و مسعود به نرسد در نقطه‌ای دیگر این دمل سرباز می‌کند . همچنانکه بیش از نیم میلیون نفر در محدوده منطقه ۱۵ تهران با مشکل مخرومیت از آب و نان و گوشت و دیگر مایحتاج اولیه زندگی مواجه‌اند، سایر نقاط کشور نیز از گرانی و دزدی و احتکار و بانسداد بازیهای مستولین امور، از تهران تا تبریز و از مشهد تا خوزستان، روبرو هستند .

هر تانکر آبی که ۱۵ تومان قیمت دارد، به قیمت ۲۵۰ تومان به مردم زحمتکش که توانایی زندگی بخور و نمیر را هم ندارند، فروخته میشود . از این طریق غارتگران زحمتکش و محرومان سود های کلانی، حتی از این آبهای اکثر غیر - بهداشتی نیز، به جیب می‌زنند .

در شرایطی که اعتراض زحمتکشان بسه مشکلات زندگی " توطئه سیاسی " نامیده می - شود، مستولین امور همچنان با وعده‌های بیست روزه و یکماهه و هشت ماهه از مردم " انتظار " میطلبند . یکی از اهالی در این مورد می‌گوید :

" آقا ما قریب ۵ سال است که تلاش می‌کنیم راهی برای ورود آب به این شهرک باز کنیم، اما تا کنون موفق نشدیم . بنویسید که هر بار بسه سازمان آب منطقه‌ای مراجعه کردیم و مشکلات خود را با آنها در میان گذاشته‌ایم . مستولین دائم وعده‌های سرخرمن به ما دادند "

از سوی دیگر مردم با بیماریها و عفونست و آلودگی آبی، که به هزار منت و محفت بدست می‌آورند، روبرو هستند، آبی که با انواع آهک و گچ و حشرات و میکروبها، زنگ خطر سربایت انواع بیماریهای عفونی در گستره وسیعتری را بمسدا

داران بپردازند، در جواب این فریاد برخاسته از درد آنها می‌گویند:

" اگر شرایط اجرای طرح همانگونه باشد که پیش‌بینی کردیم، برنامه طبق روال پیش‌بینی شده پیش خواهد رفت، امید وارم بعد از دو سال و نیم بتوانیم به منطقه شهرکهای مسعودیه، کارون و مشیریه آب بدهیم، لکن باید به صراحت بگویم که شرایط عادی نیست و طبق پیش‌بینی مسامعی باشد "

در واقع ایشان با زبان ساده از تعهد بسرای تأمین آب افسریه در ۲ سال و نیم آینده هم طفره می‌روند .

نان هم، همانند آب، در روزانه زحمتکشان است .

با " آزاد " کردن فروش برنج و ایجاد بازار سیاه، قیمت برنج به چند برابر قیمت دولتی آن رسید و دردی دیگر بر درد های زحمتکشان



اعتراض اهالی افسریه به قطع آب و برق (عکس از کیهان، ۸ تیرماه ۶۲)

افزود . زحمتکشان جامعه اغلب نان را جایگزین برنج کرده‌اند . مردم می‌گویند در حال حاضر که با قیمت کنونی برنج در بازار " آزاد " خوردن آن حسرتی است بدل محرومان، حداقل انتظار ما این است که نان را به قیمت مناسب و با کیفیت مطلوب پدست آوریم .

زن زحمتکشی در صف خرید نان می‌گوید:

" برنج پیدا نمی‌شود، برنج خوب گران است و ما طبقه مستضعف و کارگر توان خرید برنج بسه قیمت گزاف را نداریم . حداقل انتظار ما این است که دولت در تأمین و توزیع مایحتاج اساسی چون نان، برنج و گوشت نظارت جدی کند . چرا باید قیمت برنج ایرانی این همه بالا باشد؟ می‌گویند برنج نیست، پس چرا با قیمت گزاف هست و خیلی هم هست؟! "

دزدی و غارت، باند بازی و جنایت، همچون رژیم گذشته، و اکنون با لعاب تازه و رنگ و جلای نوو " شرعی " ایران را صحنه ترکانازی خود قرار داده است .

بقیه در صفحه ۱۳

در می‌آورد . زن زحمتکشی فریاد برمی‌آورد که آقا:

" دلم می‌خواهد بباید آب انبارها را ببینید و ملاحظه کنید در این آبهایی که ما میخوریم چه چیزهایی وجود دارد: قورباغه، موش، کسیرم، هزار پا، لاشه‌های گربه و بسیاری دیگر که باید ببینید و باور کنید "

بزشک این شهرک می‌گوید:

" مردم مسعودیه مخصوصا کودکان آنها مبتلا به انواع بیماریهای عفونی هستند . اسهال و استفراغ بیشتر در میان کودکان شیوع دارد و مستقیما از آلودگی آب ناشی میشود، میتوان گفت که از صبح تا شب سه چهارم بیماراران مبتلا بسه اسهال و استفراغ میباشند . در صورتیکه در شمال شهر، روزانه بیش از دو یا سه مور دناز این گونه بیماری مشاهده نمی‌شود "

مستولان، که با زیر پا گذاشتن خواست انقلابی مردم، استدلالات شاهنشاهی را به کمک می - طلبند تا به توجیه غارت زحمتکشان بوسیله سرمایه

درفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۳

اتحادیه‌های صنفی جهان به این عمل اعتراض کرده و نگرانی خود را درباره سرنوشت ایمن دستگیرشدگان اعلام می‌دارند.

باید گفت مسئله سرکوب هرگونه صدای حقیقی طلبانه، به حزب توده، ایران و کارگرانی که در سند یکاهای کارگری مشکل شده بودند، خفته پدید آنکرده است. چنانکه همین صاحبمکندگن در گفتگوی خود خاطر نشان ساخته‌اند، بسیاری از کارگران "به خاطر تعصب پوستره‌های اسلامی و یا تشکیلاتی و انقلابی از کار اخراج شده‌اند" و این اخراجها و تضییقات در مورد کارگران مسلطن که در شهرها و انجمن‌های اسلامی مشکل‌اند، آنقدر گسترش یافته، که خود خانه کارگر به فکر تاسیس "صندوق حمایت از کارگران اخراجی" افتاده است.

امپریالیسم به احیای پیمان بغداد امید بسته است

مجله اکونومیست، چاپ لندن مورخ ۲۴-۸-۶۷ (هفته اول تیر ۶۲) می‌نویسد: "اتحادیه‌های گذشته هرگز نمی‌میرند. پیمان بغداد زنده است (و هر روز جان بیشتری میگیرد - راه توده)" و در طول نواز سرزی بین ترکیه، ایران و عراق تجدید حیات می‌شود. برای اولین بار این سه کشور که در اواسط سال های ۱۹۵۰ در زیر پیمان غربگرای بغداد گرد هم آمده‌اند، دست در دست یکدیگر داده‌اند تا مبارزات آزاد یخواهانه خلق کرد را خفه و نابود

کنند.

مجله اکونومیست در ادامه می‌افزاید:

"کردهای ایران. یسندت بسوی مرزترکیه با ایران که در ژانویه بوسیله ترکیه سدود گردید، رانده شده‌اند. کردهایی هم که توانسته بودند در ترکیه مأمن یابند به ایران باز پس راننده شده‌اند. با از دست دادن امکان گذر از مرزها، کردها در موقعیت سختی به سر می‌برند."

واکنش نیم بند دولت جمهوری اسلامی و سردمداران آن در مقابل تجاوز ضد مردمی و سرکوبگرانه ارتش ترکیه به مواضع جنگجویان دلیر کردها در داخل کردستان عراق را، نمیتوان از گمراهی آنها دانست. چنین واکنشی به ایمن تجاوز را، تجاوزی که به نوشته همان شماره مجله اکونومیست، "منجر به کشته شدن صدها کرد و دستگیری حدود ۲ هزار جنگجو که برای محاکمه به ترکیه برده شد نگذشت"، تنها به تأیید ضمنی این یورش میتوان تعبیر کرد.

مسلمانان کنانیدن ایران به منجلا ب گذشته با خفه کردن صدای خلقهای ایران، و از جمله خلق کرانه در گلو توام خواهد بود و هست، و نمیتوان نتیجه‌ای دیگر از دوستی با ترکیه آمریکا - زده و عضو پیمان تجاوزگرنانو، کشوری که آقای وزیر امور خارجه و امثالهم "برادر" و "مسلمان" اش میخوانند، انتظار داشت. بنابراین، به این سوال که آیا تکوین مجدد پیمان بغداد و یا چیزی با همان ماهیت مطرح است؟ نمیتوان پاسخ مثبت داد.

حاکمیت جمهوری اسلامی با نزدیکی "گام به گام" خود به کشورهای سرمایه‌داری غرب و قبضه شدن اهرمهای دولتی آن بوسیله راستگرایان و هواداران سرمایه‌داری نه فقط قادر شده است جوابی مثبت به خواستهای خلق، خواسته‌هایی چون اصلاحات ارضی، ملی شدن

بازرگانی خارجی، آزادی فعالیت احزاب سیاسی و از جمله مسئله ملی و خلقهای ایران بدهد، بلکه هر روز بیشتر به منجلا ب همکاری اقتصادی و نظامی با ترکیه کودتا زد و عضو پیمان ناتو فرو می‌رود. در حقیقت گرایش بسوی سرمایه‌داری و دور شدن از طبقات محروم و مستضعف، راهی جز سرکوب خلقهای ایران، و از جمله خلق کرد که تاریخ طولانی مبارزاتی آن برای کسب خود-مختاری و رفیع‌ستم ملی معلو از دلاوریها و حماسه آفرینی هاست، باقی نمی‌گذارد.

لذا تدارک دیدن روح دسته بندی نظامی امپریالیستی به کالبد مرده پیمان بغداد، نگرانی بجای تمام خلقهای منطقه را می‌آفریند.

سیاست پشت درهای بسته و روی دوش زحمتکشان

آقای نخست وزیر در سخنرانی بمناسبت ۷ تیر در قم می‌گوید:

"روزی که اسناد و مدارک درون شور ای انقلاب فاش و پخش شود، روشن خواهد شد، که چه کسانی متعابلی به آمریکا بودند و چه کسانی در مقابل نفوذ آمریکا و حرکت آمریکا می ایستادند."

فقط باید از آقای نخست وزیر خواست، که توضیح دهد، که چرا این اسناد را هر چه زود تر پخش نمی‌کند. آیا نمی‌داند که این "هدم افشاگری" چه کسانی را در پشت هایشان ابقا کرده است؟ معلوم نیست چرا آقای نخست وزیر این مخفی کاری و جدایی از مردم را تحمل می‌کند و اسامی این عوامل آمریکا را که بر دوش زحمتکشان سوار شده‌اند، افشا نمی‌کند؟! "

متن مصاحبه روزنامه موزینگ استار...

بقیه از صفحه ۱۰

صحنه دفاع از انقلاب حفظ کنند، قادر خواهند شد تا او رهبری انقلاب را توسط خود تضمین کنند و به تعمیق انقلاب خدمت آنها باید به این منظور به برطرف کردن رادیکال تسلط سرمایه خارجی و کلان سرمایه‌داران داخلی برسرنوشت کشور بپردازند و سازماندهی توده‌های زحمتکش شهروده را به عنوان وظیفه عاجل انقلاب درک کنند و به آن دست بزنند. با انجام تمام این اقدامات، یعنی دست یابی به این شرایط است، که انقلاب آزاد بیخیش این دوران می‌تواند پیروزی خود را تضمین کند. کمکی که حزب ما در چهار چوب امکانات خود به انقلاب کرد و می‌کند، درست در چهار چوب این سیاست و این تحلیل روشن است.

این سیاست حزب ما علمی، دقیق و انقلابی است. کسی که این نکته را درک نکرده باشد، که نیروهای بینابینی قانونمندی‌های فوق الذکر را (شرایط پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و رهائی بخش دوران مسارا) باید در جریان عمل و با تجربه خودشان کشف کنند، البته نمی‌تواند این خطر را نیز درک کند، که ممکن است، که این نیروهای بینابینی نتوانند از تجربه خودشان و خلقهای دیگر درس بگیرند و با قدم گذاشتن در راه درست حفظ و تعمیق انقلاب، به استعداد تاریخی رهبری انقلاب در مرحله نوسازی جامعه هم دست یابند. آنوقت منتقدین که شما در سؤالتان از آنها نام بردید، تصورشان ایمن

خواهد بود، که "این نیروها از ابتدا ارتجاعی بودند". بنابراین، تحلیل دقیق ما اینست، که نیروهای بینابینی در میهن ما این شانس را داشته‌اند که با تجربه خودشان و با کمک‌هایی که به آنها شد این درس‌ها را بیاموزند و ما با تمام توان خود کمک کردیم، که آنها آنرا بیاموزند. اما باید گفت که آنها موفق نشدند، نه اینکه تمام مسلمانان مبارز موفق نشدند، نه ما چنین چیزی را نمی‌گوئیم، بلکه صحبت از آن مسلمانان رادیکال در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌کنیم، که تجربه تاریخی نشان داد، که فاقد استعداد تاریخی هستند، این درس‌ها را بیاموزند.

س. آیا طی ۲ ماه گذشته تغییری در درون شخصیت‌های هیئت سیاسی حزب جمهوری اسلامی رخ داده است؟

ج. خامنه‌ای در پشت دبیر کلی ابقا شده است. البته افرا د جدیدی هم به هیئت مرکزی حزب جمهوری اسلامی فرا خوانده شده‌اند، که هنوز هم اسم آنها اعلام نشده است. (x)

س. روزنامه ساندی تایمز در تفسیری پیرامون حزب جمهوری اسلامی صحبت از گرایش به راست نموده است، آیا این راست است؟

ج. بلی درست است. این نظر را حزب ما یکسال پیش اعلام کرد.

(x) با اطلاعاتی که بعد از انجام مصاحبه تا کنون رسیده است، بخشی از عناصری که به هیئت مرکزی حزب ج.ا.ا فرا خوانده شده‌اند، دارای آن چنان نظریاتی هستند، که باید گرایش تشدید شده این حزب را بسنه راست یکبار دیگر تأکید کرد.



مانور نیروهای مداخله سریع در خلیج فارس

قرار است در مناطقی از سلطنت نشین عمان که مشرف به تنگه هرمز است، مانور بزرگی از سوی نیروهای مداخله سریع آمریکا انجام گیرد. طبق گزارش پنتاگون، در این مانور، که قرار است آماده‌گی رزمی نیروهای مداخله سریع در شرایط گرم تابستان آزمایش گردد، هفت هزار سرباز آمریکایی و چند صد هواپیما شرکت خواهند داشت. مرکز فرماندهی مانور در مصر قرار دارد که در آن ۵۰۰ سرباز آمریکایی برای شرکت در این مانور آماده گشته‌اند. هزار تنک از آمریکایی پیاده شدند در سواحل سومالی را تمرین خواهند کرد. بر فراز خاک عمان تمرین هوایی انجام خواهند گرفت. در این تمرین ها هواپیماهای جاسوسی آواکس بکار گرفته خواهد شد.

اعتصاب کارگران در برزیل

بیش از ۶۰ هزار کارگر صنایع فولاد در برزیل دست به اعتصاب متحد و به منظور اعتراض علیه سیاست اقتصادی دولت زدند. کارگران بزرگترین پالایشگاه نفت برزیل نیز، که یک سوم مصرف نفت را تصفیه می‌کنند، در اعتصاب سه سر می‌برند. اعتراض این کارگران علیه تغییر معیار تعیین مخارج زندگی است که بر طبق آن افزایش حقوق معین میگردد.

دولت برزیل اعتصاب کارگران پالایشگاه نفت را غیر قانونی اعلام کرده و رهبران سندیکای کارگران این بخش را از پست‌های خود به جرم دامن زدن به اعتصاب برکنار کرده است. موج اعتصابات در برزیل دیگر بخشهای اقتصادی این کشور بحران زده را در بر گرفته است.

در السالوادور

ایالات مرکزی السالوادور صحنه درگیریهای شدید میان مبارزان "جبهه آزاد بیخیش" فارابوند و مارتی و نیروهای دولتی است.

علیرغم کمکهای فزاینده دولت آمریکا به رژیم حاکم در السالوادور، مبارزین آزاد بیخیش توانسته اند ضربات سختی به نیروهای دولتی وارد سازند. شعار "علیرغم تجاوز آمریکا، السالوادور پیشرو خواهد شد" به شعار همه مبارزینی که علیه رژیم ترور و سرکوب در السالوادور بیکار می‌کنند تبدیل شده است.

در مناطقی که توسط نیروهای آزاد بیخیش آزاد شده‌اند شوراهای محلی تشکیل میگردد و مردم در انتخاباتی که به منظور تعیین نمایندگان سوراها انجام میگردد وسیعاً شرکت می‌ورزند. در این مناطق که چندین ایالت کشور را شامل میشود مردم فعالانه در تحولات سیاسی اقتصادی

و اجتماعی شرکت می‌کنند. پیروزی‌های مداوم نیروهای آزاد بیخیش گسترش نفوذ آنها در میان توده‌های مردم باعث آن شده است که رژیم حاکم در السالوادور عملیات سرکوبگرانه و تضيیعی خود را شدت بخشد.

در غنا

غنا برای چهارمین بار در یکسال و نیم اخیر صحنه توطئه‌های ضد انقلابی برای سرنگونی حکومت مترقی در این کشور بود. پس از زد و خورد های شدید نظامی میان نیروهای کودتاگر و واحد های "شورای مؤقت دفاع ملی" در آکرا، پایتخت غنا، این کوشش برای براندازی حکومت جبری رولینگر ناکام ماند و آرامش به کشور بازگشت. غنا اولین کشور ماورای صحرا در آفریقا بود که در سال ۱۹۵۷ استقلال سیاسی خود را کسب کرد و تحت رهبری قوام نکره سمت گیری غیر سرمایه‌داری در پیتر گرفت. روندی که بنا توطئه کودتائی که از طرف "سیا"ی آمریکا رهبری میشود، در سال ۱۹۶۶ قطع شد.

در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۱، تعدادی از نظامیان جوان، به رهبری سروان هوایی، رولینگر، باهدف ارائه راه قوام نکره قدرت را بدست گرفتند. حکومت جدید بمنظور تحول بنیادی اجتماعی - اقتصادی به سید رحمت‌نشان اختارات بزرگ وازی کمرهادر را قطع کرد و اقداماتی در جهت تأمین کنترل دولتی در مهم‌ترین بخشهای اقتصادی کشور انجام داد. با وجود این اقدامات وضع اقتصادی کشور هنوز هم وحیم است. و حکومت مجبور است در مقابل بیطوئیهای متعدد امپریالیستی و ضد انقلابیون داخلی به مقاله بر خیزد. اخراج بیش از ۲ میلیون غنایی مهاجر از نجریه و خشکسالی متناوب بر مشکلات این کشور و حکومت مترقی آن افزوده است.

خطر آنکولا و موزامبیک را تهدید می‌کند

کنگره ملی آفریقا، فاش ساخت که کشورهای مترقی جنوب آفریقا، بویژه آنگولا و موزامبیک در خطر مداخله هماهنگ امپریالیسم آمریکا و نژاد پرستان آفریقای جنوبی قرار دارند.

رژیم نژاد پرستان آفریقای جنوبی طرحهایی در دست تهیه دارد که باید بوسیله آن، حکومت های مردمی در آنگولا و موزامبیک سرنگون شوند. باند های تروریستی که در این دو کشور علیه حکومت به اعمال خرابکارانه دست میزنند مستقیماً از سوی نژاد پرستان یا تجهیزات و کمک مالی تأمین میشوند. چنانکه گفته شده است عملیات خرابکارانه علیه زمبابوه نیز شدت یافته است. حکومت پرتوریا کوشش می‌کند با به سر کار آوردن یک دولت دست نشانده در نامیبیا از استقلال واقعی این کشور جلوگیری کند.

جو سلوو، که این مطالب را در مجله کنگره ملی آفریقا فاش ساخته همچنین اظهار داشته است که کنگره ملی آفریقا وظیفه خود میداند تمام نیرو های مخالف حکومت نژاد پرستان را متحد سازد.

سرهنگ معمر قذافی ...

بقیه از صفحه ۱
دوستان خارجی انقلاب ایران، چه در منطقه و چه در دیگر کشورهای جهان، از تفوق راستگرایان در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، که باعث پراکندگی نیروهای انقلابی و سرکوب پیگیرترین آنها یعنی حزب توده ایران شده است، سخت نگرانند و رهبران جمهوری اسلامی را از بازگشت به دوران آریامهری اسارت امپریالیستی بر حذر میدارند. این نامه و اقدامات مشابه نشان میدهند، که نیروهای انقلابی، که پیگیرانه در موضع دفاع از انقلاب مردمی میهن ما ایستاد مانده‌اند و دوستان وفاداری در چهار گوشه جهان دارند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

"راه توده"ی عزیز،

امید داریم مانند همیشه تند رست و سر حال باشی، بزائی و بهرورائی، آنهم هفته‌ای یکبار. ما از تو سپاسگزاریم، که هفته‌ای یکبار گلی تازه با رنگی خوشتر و عطری دلنشین تر بر ایمان به منزل میآوری. باز کردن بسته‌ای، که تو را در آن بالاچاره پسر کردماند برای ما تولدی نوین است. ما بند تو را باز می‌کنیم، تا تو بند های دیگری را بگسلی!

رفقای تو در مونیخ افتخار دارند، که هزینه چاپ یک شماره ات را تقبل کنند.

رفقای هوادار حزب توده ایران در مونیخ هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

رفیقی از آمریکا ۱۰ دلار
دانشجویان افغانی در هندوستان ۱۳۰۰۰ روپیه
فرانتس فورت ۱۰۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 50
Friday, 15 July 83
Winfried Schwarz
Address: Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	Fr. U.S.A.	40	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

راه توده